دوردنیا

لغو مالیات کتاب توسط «اولاند»

■ **فارس:** در دوره سارکوزی مالیات بر ارزش افزوده کتاب‌ها از پنج‌درصد به هفت‌درصد افزایش یافت و این روند موجب نارضایتی کتابفروشی‌های فرانسوی از این قانون شد اما اولاند به مخالفت با این قانون پرداخت و آن را حذف کرد. در حالی که این روزها رقابت برای فروش نسخه‌های الکترونیکی کتاب‌ها افزایش یافته و در سال ۲۰۱۱ تنها در بخش رمان ۷۰میلیون پوند فروش داشته، کتاب‌های الکترونیکی در فرانسه مورد استقبال قرار نگرفته‌اند و مردم هنوز به کتاب‌های کاغذی تمایل دارند. یکی از دلایل این کاهش، به تغییر دولت در فرانسه و روی کار آمدن سوسیالیست‌ها بازمی‌گردد. با روی کار آمدن فرانسیس اولاند، رییس‌جمهور سوسیالیست فرانسه، حمایت از کتاب‌های چاپی بیشتر شده است. در دوره سارکوزی مالیات بر ارزش افزوده کتاب‌ها از پنج‌درصد به هفت‌درصد افزایش یافت و این روند موجب نارضایتی کتابفروشی‌های فرانسوی از این قانون شد. اما اولاند به مخالفت با این قانون پرداخت و آن را حذف کرد.

«اتوود» در «اینترنت»

■ «مارگارت اتوود»، نویسنده سرشناس کانادایی آثارش را از طریق یک وب‌سایت عمومی در اختیار خوانندگان می‌گذارد. ۹هزار کاربر وب‌سایت «وات پد» از این پس به آثار مارگارت اتوود، نویسنده سرشناس برنده بوکر دسترسی خواهند داشت. به گزارش گاردین، وی همچنین در این سایت اعلام کرده داوری یک رقابت شعر را در ماه جولای بر عهده گرفته است. «وات پد» در حال حاضر پنج‌میلیون داستان را به ۲۵ زبان دنیا در اختیار دوستداران ادبیات قرار داده است. هر ماه بیش از ۵۰۰هزار داستان جدید و شعر در ژانرهای مختلف چون عاشقانه و علمی ـ تخیلی به آرشیو این سایت اضافه می‌شوند.

گزارش خبری

حاشیه‌های اکران بیشتر می‌شود

■ در پی حاشیه‌های پررنگ اکران و چالش میان حوزه هنری و شورای صنفی نمایش که منجر به عدم ارایه حواله به سینما «آزادی» شده است، به دستور جواد شمقدری ـ رییس سازمان سینمایی ـ قرار بود جلسه‌ای با حضور نمایندگان ارشاد، حوزه هنری، شهرداری تهران و شورای صنفی نمایش برگزار شود تا مشکلات چند هفته اخیر اکران و مخصوصا مشکل سینما «آزادی» را حل کند. نمایندگان ارشاد، شهرداری و شورای صنفی نمایش در جلسه حاضر شدند اما نماینده حوزه هنری در این جلسه حضور پیدا نکرد، بنابراین جلسه‌ای هم تشکیل نشد. جواد شمقدری ـ رییس سازمان سینمایی ـ این موضوع را تایید کرد و به اینسا گفت: برای حل مشکلات پیش‌آمده برای اکران این جلسه هم‌فکری ترتیب داده شده بود که آقای منبتی به عنوان نماینده شهرداری در جلسه حاضر شدند، اما نماینده حوزه هنری متاسفانه به جلسه نیامد و عملا این جلسه نتیجه‌ای نداشت. رییس سازمان سینمایی درباره اینکه آیا وزارت ارشاد واکنشی به حواشی اکران نشان خواهد داد، گفت: وزارت ارشاد و سازمان سینمایی قبلا هم در حال رایزنی و اقداماتی برای حل این مشکل بودند اما طبیعتا قرار نیست همه فعالیت‌ها در رسانه‌ها منعکس شود اما مطمئن باشید که ما در حال فعالیت برای این موضوع هستیم. اما بحث دیگر، بحث اکران فیلم‌هاست، آن هم فیلم‌هایی که امکان فروش خواهند داشت. مهر در گزارش خود از «کلاه‌قرمزی و بچه‌ننه»، «بی‌خداحافظی»، «پنهان»، «من، تو، من» و «گیرنده» به عنوان گزینه‌های اکران عید فطر نام برده که پیش‌بینی می‌شود در این میان تنها دو فیلم ممکن است گیشه سینما را با استقبال ویژه مخاطبان همراه کنند. انتخاب «خوابم می‌آد» رضا عطاران برای اکران عمومی در این فصل که البته به گفته برخی کارشناسان با توجه به آغاز امتحانات دانشجویان و شروع ماه مبارک رمضان تقریبا فصل مرده‌ای به شمار می‌رفت، توانست جان دوباره‌ای به گیشه سینماها بدهد به طوری که به گفته مدیر سینما فرهنگ این فیلم به‌طور میانگین ۱۰ میلیون تومان در روز فروش می‌کند. البته باید در نظر بگیریم که ادامه مجادلات در حوزه اکران ممکن است شرایط را برای اکران سخت‌تر کند کما اینکه فیلم «خوابم می‌آد» هم اکنون سینما آزادی را که فروش بسیار بالایی دارد در اختیار ندارد. از طرف دیگر چند سالی است که ماه مبارک رمضان طرح ویژه اکران این ماه با عنوان «اذان تا اذان» اجرا می‌شود و فیلم‌های سینمایی می‌توانند در سالن‌هایی از افطار تا سحر اکران شوند. اخیرا علیرضا سجادپور نسبت به اجرایی شدن این طرح در رمضان امسال ابراز تمایل کرده است اما نکته این است که همین طرح به غیر از سال اول در سال‌های بعد با شکست مواجه شد و نتوانست با استقبال مخاطبان همراه شود. در عین حال با وجود مخالفت‌های نیروی انتظامی با نمایش فوتبال در سینماها، بعید به نظر می‌رسد طرح افطار تا سحر که در سال‌های گذشته هم انتقاداتی را به همراه داشته است امسال اجرایی شود. با توجه به جمیع جهات ماه رمضان امسال را هم نمی‌توان فصل مناسبی برای اکران فیلم‌ها دانست. «کلاه قرمزی و بچه ننه» می‌تواند یکی از گزینه‌هایی باشد که مخاطبان زیادی منتظر دیدن آن هستند. این فیلم قرار بود در جشنواره فیلم فجر سال گذشته به نمایش درآید و حتی بلیت‌هایی آن نیز پیش‌فروش شده بود که آماده نمایش نشد. به هرحال باید منتظر ماند و دید چه اتفاقی می‌افتد و چه فیلم‌هایی می‌توانند نظر تماشاگران را جلب کنند.

علی قمصری در آستانه کنسرتش در تهران:

موسیقی را نردبان خود نمی‌بینم

مرجان صائبی

«علی قمصری» در زمره آهنگسازانی است که تاکید خاصی روی ریشه‌های موسیقی ایرانی دارد. توجه به ساختار آهنگسازی به روش ایرانی و هارمونی پنهان شده در بطن ردیف‌های دستگاهی موسیقی ایرانی، می‌تواند نقطه عطفی در موسیقی ایرانی باشد. به قول قمصری، غنای ملودیک و مایگی موسیقی ایرانی همیشه مورد توجه جهان بوده است؛ اما کم‌کاری هنرمندان، فقدان روحیه کار جمعی متمرکز و تخصصی و عدم‌حمایت مسوولان نسل امروز را با فقر منابع کاملا ایرانی مواجه کرده. علی قمصری اولین آلبومش را سال ۸۴ با عنوان «نقش خیال» با آواز همایون شجریان به بازار موسیقی ارایه داد و بعد از آن به همراه کوارتت زهی ایرانی و همراهی «علیرضا قربانی» آلبومی را به عنوان «سرو روان» منتشر کرد، همچنین آلبوم تکنوازی او به نام «شور پریشانی» نشان‌دهنده مهارت او در نوازندگی و تسلطش بر ردیف موسیقی ایرانی است. آلبوم «تنیده در خطوط موازی» از تکنوازی‌های دیگر اوست. سال ۸۸ کنسرت آب، نان، آواز را با همایون شجریان به صحنه برد و اجرای او در «برج میلاد» با نوشته‌ای تحسین‌آمیز از سوی محمدرضا شجریان روبه‌روشد. بهانه گفت‌وگوی ما با او، برگزاری کنسرت «گفت‌وگو» در روزهای هشتم و نهم تیرماه در تالار اندیشه حوزه هنری و تالیف کتاب «هارمونی موسیقی ایرانی» بود.

■■■

مرحوم «وزیری» و «روح‌الله خالقی» تلاش‌های زیادی در جهت تئوریزه‌کردن موسیقی ایرانی انجام داده‌اند، ولی با این حال ما همیشه با فقر منابع تئوریک روبه‌رو بوده‌ایم. آیا همین ضرورت باعث شد کتاب «هارمونی موسیقی ایرانی» را تالیف کنید؟

بله، دلیل اصلی همین فقرمنابع بود. منکر این نیستم که این نام‌ها بزرگند و قابل احترام، اما بدون شک، جهت تلاش این اساتید، موسیقی ایرانی را از محور خود دور کرد و نوعی همنشینی ضعیف بین ملودی ایرانی و هارمونی غربی پدید آمد. به هر حال، سعی کردم که ابزارم برای نگارش این کتاب داشته‌های خودمان باشد و از بیهوده تکیه‌کردن بر قوانین موسیقی غیرایرانی خودداری کنم.

خب این به دلیل این بوده که ما پیش‌زمینه‌ای در هارمونی و آهنگسازی نداشته‌ایم...

پیش‌زمینه تالیف شده و قانون‌مندی نداشته‌ایم. اگر دقت کرده باشید، بیشتر، تاریخ موسیقی ما را تاریخ‌نگاران غیرایرانی نوشته‌اند. حتی یکی از اصلی‌ترین روایت‌ها از ردیف «میرزا عبدالله» توسط «ژان دورینگ» فرانسوی نوشته شده است. اما آن به این معنا نیست که موسیقی ایرانی پتانسیل قانونمندترشدن را نداشته است. برعکس، غنای ملودیک و مایگی موسیقی ایرانی همیشه مورد توجه جهان بوده. کم‌کاری هنرمندان، فقدان روحیه کار جمعی متمرکز و تخصصی و عدم‌حمایت مسوولان نسل امروز را با فقر منابع کاملا ایرانی مواجه کرده است.

یعنی قواعدی برای آهنگسازی ایرانی نوشته‌اید که تا به حال وجود نداشته؟

سعی کردم ردیف موسیقی دستگاهی را که تنها منبع مورد قبول تمام اهالی موسیقی است، به‌عنوان منبع اصلی قرار دهم و قواعد گرایش، نقش و تاکیدهای نت‌ها، فرم و ساختار جمله‌ها و منطق کنار هم قرارگرفتن گوشه‌ها، من را به فرمول‌ها و قواعد هارمونیک هدایت کنند. هارمونی گسترده‌ترین علم آهنگسازی است و قواعد پیچیده‌ای دارد. برای همین با توجه به نداشتن نمونه‌ای برای مقایسه یا حتی گرفتن یک ایده، کار سختی پیش‌رو داشتم و نتیجه، مطمئنا خالی از اشکال نیست. این آغاز یک راه طولانی است.

بالطبع شما هم علم هارمونی را با موسیقی غربی فرا گرفتید؟ آیا این در نوشتن هارمونی ایرانی تاثیر نداشته؟!

اگر یاد نمی‌گرفتم تا این حد مطمئن نبودم که اعمالش روی ملودی ایرانی ضعیف است. از طرفی اجازه اظهارنظر در این حیطه را به خودم نمی‌دادم. طبیعتا شناختن هارمونی غربی به من کمک زیادی کرد.

ولی با اینکه آقای خالقی را وامدار موسیقی غربی می‌دانید، صدادهی موسیقی آقای خالقی، ایرانی است...

ما نمی‌توانیم با سری و کرون و آلترکردن فواصل غربی موسیقی را ایرانی کنیم. یک اثر ایرانی قبل از هر چیز باید ساختارش ایرانی باشد، نه اینکه فقط ملودی ایرانی باشد و بنیانش غربی. از طرفی باملودی صرف نمی‌توانیم هنر والایی خلق کنیم، مگر اینکه تک‌نوازی کنیم. الان هم اتفاقات ادامه‌داری که در فستیوال‌های موفق افتاده بیشتر در زمینه تک‌نوازی است. می‌گویند موسیقی باید به سمت تکنوازی پیش رود. آیا همه می‌توانند تکنواز باشند؟ انعکاس روحیه جمعی و همراهی در تکنوازی چه لطفی دارد؟ فرض کنید کل موزیسین‌های ایرانی در سال بخواهند کنسرت تکنوازی اجرا کنند...

پس موفقیت آقای خالقی به چه علت بوده است؟

نمی‌خواهم کار ایشان را زیر سوال ببرم. اتفاقا کسانی مثل آقای وزیری و خالقی، قابلیت‌های هارمونی غربی را نشان دادند و موسیقی غربی را وارد موسیقی ایرانی کردند. علم موسیقی ایرانی خیلی گسترده است، ما می‌توانستیم با موسیقی غربی گفت‌وگو کنیم؛ نه اینکه تحت‌تاثیر آن قرار بگیریم. همه فکر می‌کردند علمی‌کردن موسیقی این است؛ در صورتی که اگر ما هم مثل غربی‌ها روی موسیقی خودمان کار می‌کردیم، می‌توانستیم موسیقی‌مان را به صورت علمی بهتری در بیاوریم. زمانی متد غربی وارد کشور ما شد که موسیقی ما سینه به سینه از استاد به شاگرد منتقل می‌شد، طبیعتا روش علمی قدرت بیشتری از روش سنتی دارد. شیوه آقای وزیری و خالقی گناه نبوده و خیلی‌ها می‌توانند با آن شیوه کار کنند، منتها در آهنگسازی ما معضل سرگشتگی در هویت و ریشه وجود داشت. من سعی کردم قدم کوچکی در بهبود این زمینه بردارم.

این ایرانی‌کردن قواعد آهنگسازی و هارمونی ایرانی چه تاثیری بر موسیقی دارد؟

ما در دانشگاه و هنرستان‌های موسیقی روش گسترده‌ای برای آموزش جوان‌ها نداریم؛ این اتفاقی بود که برای من هم افتاد. وقتی مدرسه موسیقی را تمام کردم و وارد دانشگاه شدم دوباره باید همان درس‌های مدرسه موسیقی را می‌خواندم. موسیقی ایرانی دریایی است که برای دیده‌شدن عمقش باید ابزار دید را وسیع‌تر کرد و گل و لایش را زدود.

یعنی دروس موسیقی خیلی محدود است؟

حرف من این است که دروس و دامنه دید بعضی اساتید محدود است نه خود موسیقی.

شما چطور توانستید از آموزش‌های معمول فراتر بروید؟

سعی کردم درست نگاه کنم؛ به ورطه مرید و مرادی و اتلاف وقت و تمرین‌های کور نیفتم و مرتب از خودم سوال کنم که چه چیزی می‌خواهم؟

به چه دلیل اسم کنسرت پیش‌رو را «گفت‌وگو» گذاشته‌اید؟

در کنسرت پیش‌رو یک کوارتت زهی غربی و یک کوارتت زهی ایرانی روبه‌روی هم قرار می‌گیرند. سازها با هم دوستانه دیالوگ دارند و گاهی اوقات وارد دنیای یکدیگر می‌شوند.

تا به حال به این صورت نبوده که موسیقی غربی و شرقی روبه‌روی هم قرار بگیرند و تعامل داشته باشند. من سعی کردم روی اصول سازبندی و اصول آهنگسازی و اجرایی موسیقی ایرانی آنقدر کار کنم تا وقتی این دو موسیقی روبه‌روی هم قرار می‌گیرند با هم دیالوگ داشته باشند، نه اینکه یکی از آنها میهمان‌نواز باشد و تحت‌تاثیر دیگری قرار بگیرد.

یعنی این به نوعی به اعتبار موسیقی ما می‌افزاید؟

شکی نیست. غرب تا به حال فقط روی دو نکته از موسیقی شرق تاکید داشته است. یکی بداهه‌نوازی و یکی هم تک‌نوازی و ملودی پردازی؛ در بعد آهنگسازی تا به حال موسیقی شرق با معیارهای خودش حرف چندانی برای گفتن نداشته است. من در دل موسیقی ایرانی روی بعد آهنگسازی کار کرده‌ام.

صدادهی این موسیقی چه تفاوتی با موسیقی سنتی دارد که ما تا به حال شنیده‌ایم؟

همان‌طور که در هنرهای دیگر مثل نقاشی و مجسمه‌سازی هنرمند سعی می‌کند ذهن مخاطب را به چالش بکشد، در این نوع موسیقی من به احساس شنونده بسنده نکردم.

یعنی شما از سازها امکاناتی را بیرون کشیده‌اید که تا به حال وجود نداشته است؟

بله، طبیعتا باید این طور باشد. امکانات صوتی و همنشینی اصوات به شکل جدید و تازه‌ای در این موسیقی اتفاق می‌افتد؛ البته این امکانات، در بن موسیقی ایرانی وجود داشته، ولی تا به حال به صورت اجرایی در نیامده است.

یکی از این امکانات همان «چندصدایی بودن» است؟

چندصدایی بودن موسیقی، اصلی‌ترین امکان این نوع آهنگسازی است.

به نظرتان مخاطب ایرانی این صدادهی را می‌پذیرد؟

ببینید، من تا حدی باید به فکر مخاطب باشم و بعد از آن باید به صلاحدید مخاطب و خود هنر فکر کنم. زمانی که من کارِ باکلام انجام می‌دهم مخاطب بیشتری دارم؛ ولی یک جایی هم باید از خودم خرج کنم. نمی‌توانم همیشه به کسب توجه فکر کنم. این کتاب هم برای هر مخاطبی نیست و خواننده باید پیش‌زمینه زیادی در موسیقی داشته باشد. احساس می‌کنم چون موسیقی باعث شده من پیشرفت کنم، من هم نباید همیشه موسیقی را نردبان خودم ببینم، یک جایی هم من باید به موسیقی کمک کنم. باید از فکر و وقتم برای موسیقی خرج کنم. واقعیت این است که وقتی شما به کارتان اعتقاد داشته باشید، شاید در زمان خودش مخاطب کمی داشته باشد، همان‌طور که در تاریخ موسیقی آهنگسازان زیادی بودند که در زمان خودشان فروغی نداشتند؛ اما ۲۰ یا ۳۰ سال بعد شناخته شده‌اند. من هم سعی می‌کنم یک‌سری از چیزها را به زمان بسپارم.

چند سال است که روی این موضوع کار می‌کنید؟

همیشه دغدغه‌اش را داشته‌ام، اما نه به صورت مکتوب. چندین سال است که به صورت عملی روی این مساله کار می‌کنم.

پس خیلی از اتفاقات به صورت تجربی افتاده است...

بله

تا حدی باید به فکر مخاطب باشم و بعد از آن باید به صلاحدید مخاطب و خود هنر فکر کنم. زمانی که من کارِ باکلام انجام می‌دهم مخاطب بیشتری دارم؛ ولی یک جایی هم باید از خودم خرج کنم. نمی‌توانم همیشه به کسب توجه فکر کنم. احساس می‌کنم چون موسیقی باعث شده من پیشرفت کنم، من هم نباید همیشه موسیقی را نردبان خودم ببینم، یک جایی هم من باید به موسیقی کمک کنم.

فکر می‌کنید این تجربه و آزمون و خطا را باید با مخاطب شریک شد؟

من تجربه می‌کنم، اما آزمون و خطا در سیاه‌مشق‌ها اتفاق می‌افتد. یعنی وقتی یک قطعه جدید را روبه‌روی نوازنده می‌گذارم، برای خودم جدید نیست و کاملا در تخیلم می‌شناسمش. بعضی اوقات برای یک قطعه پنج‌دقیقه‌ای شاید ۲۰۰ برگ را سیاه کنم، اما هیچ وقت روبه‌روی مخاطب، آزمون و خطا نمی‌کنم.

یعنی طی این سال‌ها به این نتیجه نرسیده‌اید که بعضی تجربیات تان بازخورد خوبی نداشته؟

طبیعتا آدم احساس می‌کند بعضی کارها را به شکل بهتری می‌تواند انجام دهد؛ ولی این طور نیست که در ارایه بخواهم آزمون و خطا کنم.

تا چه حد در ساختار سازبندی موفق بوده‌اید؟

شماری از این کمبودها با ساخت سازهای جدید حل می‌شود و شماری از آنها هم با تفاوت نگاه به ساز که در حوصله این مقال نمی‌گنجد.

می توان گفت برای پرکردن خلأ صدایی سازها از موسیقی غربی استفاده کرده‌اید؟

نه، این یک دیالوگ است. من موسیقی غربی و ایرانی را می‌شناسم. زبان موسیقی خیلی گسترده است، اما حروف موسیقی در کل جهان ثابت است. بنابراین، سازها با فرهنگ خودشان به راحتی می‌توانند در کنار هم قرار بگیرند. این ژانر، چیزی نیست که بخواهم از آن دفاع کنم یا خیلی عجیب و غریب جلوه‌اش دهم. همان چیزی است که در دنیا به عنوان «ورلد میوزیک» به رسمیت شناخته شده و نمی‌توان پرسید چرا این سازها را در کنار هم قرار می‌دهید؟ این یک ژانر ثابت شده در موسیقی است و الان خیلی از موسیقیدان‌های دنیا در این ژانر فعالیت دارند. شما در همنشینی سازها می‌توانید از رنگ آمیزی، فرهنگ‌ها و ساختارهای مختلف استفاده کنید و در این همنشینی، خیلی چیزها را یاد می‌گیرید. رنگ‌های جدیدی می‌توان خلق کرد و به خلاقیت‌های تازه‌ای رسید.

کنسرت پیش‌رو با همین دغدغه برگزار می‌شود؟

این هم جزو دغدغه‌هایم است. آهنگساز مثل نقاش که در استفاده از رنگ آزاد است باید در استفاده از سازها آزاد باشد.

ساختارشکنی به نظرتان همان «آزاد بودن» است؟

من به قواعد موسیقی‌ام پایبندم. اگر یک نقاش از رنگ‌های مختلف استفاده کند به این معنا نیست که نتیجه‌اش ساختارشکن است، فقط ابزارش به دلایل خاص تغییر کرده است.

یعنی معتقدید در ساختارشکنی ما فقط می‌توانیم ابزار را تغییر دهیم؟

ساختارشکنی یعنی ساختارشکنی و نمی‌توان آن را محدود کرد، ولی من همیشه به اصول اولیه پایبندم. مگر اینکه به دلیل خاصی اصول را کنار بگذارم.

شما با همایون شجریان کار کرده‌اید. در کنسرت پیش رو با «حسین علیشاپور» روی صحنه می‌روید، چه ویژگی در صدای ایشان دلیل این همکاری بود؟

این طور نیستم که بخواهم بزرگ‌بودن اسم را دلیل همکاری خودم قرار دهم و هیچ وقت حاضر نیستم ذهنیت هنری‌ام را فدای این مسایل کنم. حضور یک خواننده خوب مثل آقای علیشاپور در کنسرت ما به عنوان میهمان است و در دو قطعه بیشتر حضور ندارند. این قطعات کارهای برف خوانی است که قبلا توسط آقای معتمدی اجرا شده است.

چرا این‌بار هم با آقای «معتمدی» همکاری نکردید؟

صلاح دیدم که از آقای علیشاپور در این کنسرت استفاده کنم، ضمن اینکه آن زمان آقای معتمدی در ایران نیستند

چقدر همایون شجریان در موفقیت شما نقش داشته؟ آیا این اعتمادبه نفس را به شما داد تا دست به تجربیات مختلفی در موسیقی بزنید؟

همایون شجریان در موفقیت اجتماعی من و شنیده‌شدن کاری ام مخصوصا «نقش خیال» خیلی نقش داشت. ولی اعتماد به نفس را من از کارم به دست می‌آورم.

به نظر خیلی‌ها در کنسرت آخرتان، اجرای شب آخر پخته‌تر از شب اول بود...

بخش زیادی از کار در پارت اول با آقای همایون شجریان بداهه بود و در این بخش ما هرچه پیش می‌رفتیم استرسی که به دلیل تبلیغات قبل از کنسرت داشتیم کمتر می‌شد. واکنش بعضی‌ها قبل از شنیدن کار هم دخیل بود؛ چراکه می‌گفتند نباید گیتار در کار باشد؛ انگار ما خلاف شرع می‌خواهیم عمل کنیم! این پیش‌قضاوت‌ها استرس زیادی به وجود آورده بود که طی شب‌های اول رفع شد.

بعضی‌ها معتقد بودند در این کنسرت گیتار صدادهی خوبی نداشته، حالا شاید به علت همان پیشداوری‌ها بوده. نظر خودتان چیست؟

این اتفاق برای اولین‌بار تجربه شده بود و طبیعی است که با گوش مخاطب آشنا نباشد. اتفاقا در این پروژه هم از لحاظ حضور بهرام آقاخان و هم از لحاظ پارتی که نوشته شده بود، گیتار از ارکان اصلی گروه بود.

گفته بودید موسیقی فلامنکو اشتراکات زیادی با موسیقی ایرانی دارد...

فلامنکو تنها موسیقی اروپایی دستگاهی است و بداهه‌نوازی دارد. به لحاظ تاریخی هم «زریاب» یک موسیقیدان ایرانی بود که عود می‌نواخت و در جنگ جهانی اول با یکسری از ایرانیان به آندولس مهاجرت کرد و تاثیر زیادی بر شکل‌گیری ارکان موسیقی آنجا داشت.

اعضای جدید شورای حمایت معرفی می‌شوند

شرق: به نظر می‌رسد که مجموعه اعتراض‌هایی که هنرمندان به عملکرد شورای حمایت از آثار نمایشی داشتند باعث شده است که مرکز هنرهای نمایشی نسبت به ترکیب این شورا دست به تغییر بزند. «قادر آشنا» مدیر اداره کل هنرهای نمایشی با تایید خبری که چند روز گذشته منتشر شد و حاکی از تغییراتی در ساختار و ترکیب اعضای شورای حمایت از آثار بود؛ می‌گوید: «اعضای جدید این شورا تا هفته آینده معلوم شوند.»

آشنا در گفت‌وگو با ایسنا، این تغییرات را عادی دانست، اما از احتمال تغییر در اساسنامه آن خبر داد و گفت: «به هر حال گاهی شوراهای با عناوین مختلف تشکیل می‌شود و اساسنامه و مرامنامه‌ای برایشان نوشته می‌شود اما بعد از یک مدت اجرا، نیاز به بازنگری دارد. این شیوه‌نامه به طور آزمایشی اجرا شده بود و در مرحله رفت و برگشت معلوم شده بود نیازمند اصلاحاتی است و بنده بعد از ورودم به اداره کل هنرهای نمایشی درخواست کردم تغییراتی در آیین‌نامه در شورای حمایت از آثار و نظارت و ارزشیابی صورت بگیرد. آیین‌نامه تقریبا آماده شده است. از سوی دیگر برای شورای حمایت هم آیین‌نامه‌ای نوشته‌ایم و شیوه‌های حمایت را مشخص کرده‌ایم.»

اجرای «پرفورمنسی» در یادبود حمله شیمیایی به سردشت

شرق: رویدادهای تلخ و شیرین در گذر زمان به دست فراموشی سپرده می‌شوند و آنان که از زخم خورده آن رویدادها هستند نیز. اما می‌توان با رسانه‌های هنری و با بازنمایی مختصر رویدادها یاد آسیب‌دیدگان را دوباره در ذهن‌ها تداعی کرد. حمله شیمیایی عراق به شهر سردشت در هفتم تیر ۱۳۶۶ از جمله فجایع عمیقا دردناکی بود که باعث به شهادت رسیدن ۱۱۰ هموطن بیگناه‌مان شد. فاجعه‌ای که کمتر به آن توجه شده است. فاجعه سردشت اولین حمله شیمیایی رسمی و تمام‌عیار به شهروندان غیرنظامی در جهان محسوب می‌شود.

به همین مناسبت امروز چهارشنبه خانه هنرمندان ایران میزبان یک اجرای مفهومی (پرفورمنس) توسط شیرین عابدینی‌راد خواهد بود تا بار دیگر یاد عزیزان از دست رفته‌مان در آن حمله دهشتناک به نحوی گرامی داشته شود. عابدینی‌راد با استفاده از نمادهایی از حملات شیمیایی مانند ماسک ضد گاز، بادکنک و... سعی در بازنمایی و یادآوری آن رویداد خواهد کرد. محل اجرای این پرفورمنس محوطه خارجی خانه هنرمندان ایران است. این اجرا از ساعت شش بعدازظهر آغاز خواهد شد.

هفت هنر

با برپایی نمایشگاه «۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند»

گالری «گلستان» ۲۱ساله شد

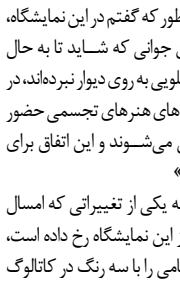

■ **شرق:** یکی از کمبودهای جدی جامعه تجسمی ایران، فقدان رویدادهایی است که سالیان متمادی به فعالیت خود ادامه دهند. در این میان نمایشگاه تابستانی «۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند» در گالری گلستان یک استثنا به شمار می‌آید. جمعه نهم تیر، بیست‌ویکمین دوره نمایشگاه «۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند» در گالری گلستان برپا خواهد شد. لیلی گلستان مدیر این گالری در گفت‌وگویی با «شرق» با اعلام خبر این افتتاحیه گفت: «در تمامی این سال‌ها به رغم فراز و نشیب‌های بسیار، این نمایشگاه تابستانی را برگزار کرده‌ام و امسال در فضایی تازه‌تر از همیشه و با ارایه آثاری درخشان به استقبال این رویداد خواهیم رفت.» گلستان وجه تشخص «۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند» را ارایه همزمان آثار هنرمندان معاصر سه نسل ایران در کنار هم دانست و افزود: «این یک فرصت گرانبها برای معرفی نسل جوان و نوجوی هنر ایران است. چیدمان آثار روی دیوار گالری گلستان تابلوهای نقاشان پیشکسوت و صاحب‌نام را همنشین آثار جوانان هنرمند می‌کند که این مهم علاوه بر انگیزه بخشی به جوانان، به صورت ناخودآگاه نمایی از تحولات هنری ایران در چند ده سال اخیر را به نمایش می‌گذارد.»

او گفت: «با توجه به رکود اقتصادی که در این سال‌ها با آن مواجهیم و در بالا و پایین شدن فضای هنرهای تجسمی کشور، این نمایشگاه همه‌ساله دایر شده و خوشبختانه دچار رکود نشده است.»

گلستان افزود: «همان‌طور که گفتم در این نمایشگاه، آثار بسیاری از هنرمندان جوانی که شاید تا به حال نمایشگاهی نداشته‌اند و تابلویی به روی دیوار نبرده‌اند، در کنار پیشکسوتان و باسابقه‌های هنرهای تجسمی حضور پیدا خواهند کرد و معرفی می‌شوند و این اتفاق برای جوانان بسیار جذاب است.»

این گالری‌دار با اشاره به یکی از تغییراتی که امسال در بیست و یکمین دوره از این نمایشگاه رخ داده است، گفت: «همه‌ساله ما اسامی را با سه رنگ در کاتالوگ «۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند» مشخص می‌کردیم که در این دوره تنها از دور رنگ قرمز و سبز استفاده شده و آن هم به معنای این است که پیشکسوتان و جوان‌هایی را که طی این سال‌ها در گالری گلستان نمایشگاه برگزار کرده‌اند، با رنگ قرمز و مابقی را با رنگ سبز معرفی کرده‌ایم.»

وی با اشاره به قیمت‌های مناسب آثار هنری که در گالری گلستان ارایه می‌شود، توضیح داد: «همیشه قیمت نمایشگاه‌های گالری گلستان و به ویژه مجموعه «۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند» مناسب‌تر از بقیه نمایشگاه‌ها بوده و این یکی از موفقیت‌های این مجموعه است. امسال نیز از ۲۰۰ هزار تومان تا ۲۵ میلیون تومان تابلوها و مجسمه‌ها به فروش می‌رسند.»

او اظهار داشت: «گالری گلستان همواره تسهیلات و امکانات ویژه‌ای را برای خریداران در نظر می‌گیرد و مردم عادی یکی از خریداران اصلی این مجموعه محسوب می‌شوند. مجموعه‌داران نیز از یکی، دو ماه مانده به نمایشگاه مدام پیگیر هستند زیرا می‌دانند که کارهای خوب را با قیمت‌های ارزان خریداری خواهند کرد.»

به گفته گلستان، در بیست و یکمین نمایشگاه «۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند» آثار نقاشی و مجسمه از ۱۵۴ هنرمند به نمایش درمی‌آید که در بخش نقاشی از هر هنرمند یک اثر به روی دیوار می‌رود و همچون گذشته با فروش آن، تابلو دیگری از همان هنرمند جایگزین خواهد شد. اما در بخش مجسمه امکان دارد از هر هنرمند چند اثر به نمایش گذاشته شود. به گفته این گالری‌دار، در این دوره نیز قطعا بالاترین قیمت به تابلو کوچکی با تکنیک گواش از «سهراب سپهری» اختصاص دارد. در بیست و یکمین نمایشگاه «۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند» در میان رنگ‌های «قرمز» که متعلق به هنرمندانی است که قبلا در فضای گالری گلستان نمایشگاه برگزار کرده‌اند، می‌توان اسامی هنرمندانی همچون سهراب سپهری، بهرام دبیری، صادق تبریزی، محمدعلی ترقی‌جاه، پروانه اعتمادی، فرامرز پیل‌آرام، عربعلی شروه، علی‌اکبر صادقی، بهجت صدر، گلناز قدیری، پرویز کلانتری، علی گلستانه، فریده لاشایی، احمد نصراللهی، فرزاد هدایت، رکنی حایری‌زاده، نصرالله افجه‌ای، سمانه احمدی، ثمیلا امیرابراهیمی، رضا امیریارحمدی، عبدی اسبقی، الیکا ابراهیمی‌قاجار، مریم اوحدی، شیرین پیله‌وری، علی ترقی‌جاه، گلی توکلی، رستم جلایر، حسین چراغچی، رویا حسینی، مرتضی خسروی، مریم خزاعی، یلدا خواجه‌زاده، نازنین رجب‌دوست، فریبا رهی، افشین زردین، حسن سلاجقه سعیده سروری، مریم ساوجی، امیر سقراطی، مهناز شجاعیان، منوچهر صفرزاده، شهرزاد غفاری، شمس‌الدین قاضی، فومن فولادقلم، بیتا فیاضی، راشین قربی، علی قهرمانی، محمد مدیرزاده، لیلا میری، مینا مختارزاده، اردشیر محصص، پرویز معزز، احمد نصراللهی، مرجان نعمتی، هومن نصیری، مینا نادری و طاهره واحدیان را مشاهده کرد. در بخش هنرمندان جوان و پیشکسوتی که تاکنون در گالری گلستان هیچ نمایشگاهی نداشته‌اند، آثارشان از روز جمعه نهم تیر در نمایشگاه ۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند به روی دیوار می‌رود که با رنگ سبز در کاتالوگ حضور دارند. می‌توان آثاری از علیرضا سعادتمند، سولماز اسماعیلی، ندا آذرخش، برازنده اسلامی، الهام امیدی، بهاره اشتیاقی، راضیه اسحاقی، اعظم امیدی، شهین امیرمظاهری، حامد بابایی، حسین بختیاری، حسین تمجید، ساحل دولتشاهی، نگار کلانتری، نزار موسوی و... را دید.